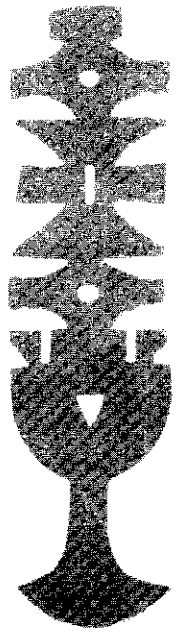


شیوه‌های تبلیغ مسیحیت در زیمبابوه

علی محمد طالبی

با بررسی تاریخ دین در آفریقا به این نتیجه می‌رسیم که در گذشته اکثر آفریقایی‌ها آنیمست بوده و ضمن اعتقاد به ارواح اجداد و نیاکان و پرستش آنان، معتقد بودند که اشیاء و حیوانات و مظاهر طبیعی دارای نیرویی فوق‌العاده بوده که در صورت بی‌احترامی به آنها و یا ابراز علاقه و اظهار ارادت نسبت به آن مظاهر، آنها از نیروی خاص خود له و یا علیه فرد یا افراد استفاده کرده و منویات خویش را عملی می‌سازند.

در میان آفریقایی‌ها در گذشته‌ای نه چندان دور نظام قبیله‌ای حاکم و در تمام شئون زندگی مردم رسوخ داشته و از انسجام خاصی برخوردار بوده است. آن نظام قبیله‌ای افراد را به چند گروه تقسیم نموده، برای هر یک وظیفه خاصی وضع نموده بود. به عنوان مثال قبایل دامدار دارای نظام قبیله‌ای خاص و مذهب ویژه همان نظام بوده‌اند و یا قبایل کشاورز و شکارچی نیز دارای نظام اجتماعی خاص و مذاهب متناسب با همان شیوه زندگی بوده‌اند. با توجه به توسعه شهرنشینی و گسترش وسایل ارتباط جمعی و از طرفی عدم امکان آنگونه زندگی قبیله‌ای، و با عنایت به استعداد پذیرش ادیان بزرگ جهانی، به ویژه اسلام و مسیحیت در آفریقای سیاه، بسیاری از ادیان الهی با ورود به کشورهای آفریقای سیاه شروع به تبلیغ مواضع خود نموده و از این روحیه مسالمت‌آمیز آفریقایی‌ها نسبت به ادیان و تبلیغ مذهبی برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌کنند. در این خصوص ابرقدرت‌ها بیشترین کوشش را برای تبلیغ مذاهب استعماری مبذول می‌دارند. در این



زمینه فردی به نام جان امبیتی (John Mbiti) نویسنده کتاب مقدمه‌ای بر ادیان آفریقایی می‌نویسد:

در آفریقا حدود شش هزار قبیله وجود دارد که به زبان‌های گوناگون صحبت می‌کنند و فرهنگ خاص خود را دارند. در این قاره اسلام و مسیحیت پیروان فراوانی داشته و حدوداً $\frac{1}{3}$ جمعیت قاره آفریقا پیرو این دو آیین الهی و بقیه مردم آنتیمیست یا پیرو ادیان ابتدایی می‌باشند. مع‌هذا باید در نظر داشت که مسائل مذکور آن چنان مهم و اساسی است که حتی ادیان بزرگ الهی در آن قاره به نوعی تغییر شکل و حتی تا حدودی تغییر ماهیت داده‌اند.^۱

البته این نوشته جان امبیتی تا حدودی صحیح به نظر می‌رسد. در آفریقا دین با فرهنگ و سنت قبیله‌ها درآمخته است. به عنوان مثال می‌توان در آفریقا هشت هزار فرقه دینی یافت که مدعی دین مسیحیت هستند. از این عده مردم، شماری به همان مذاهب مسیحی اروپایی اعتقاد داشته و بعضی تا آنجا پیش رفته‌اند که حضرت مسیح (ع) را نیز قبول نداشته و معتقد به مسیحی آفریقایی می‌باشند. ورود مسیحیت به زیمبابوه و شروع فعالیت تبشیری و تبلیغی آن به سال ۱۵۶۰ میلادی برمی‌گردد. در حقیقت اولین کشیش‌هایی که به زیمبابوه سفر نمودند در معیت مقامات دولتی و تجار بودند. آنها برای این کار خود دلایل متعددی نیز اقامه کردند. آنها با تبلیغات وسیع خود، ضمن فراهم نمودن زمینه ورود استعمار، در تغییر دین و گرویدن مردم بومی کشور نقش اساسی داشتند. اولین فرد مسیحی که در زیمبابوه شروع به تبلیغ مسیحیت نمود یک کشیش پرتغالی به نام لوادا سیلویرا بود. وی ضمن ارتباط با پادشاه وقت این کشور با افراد دربار و رؤسای قبایل ارتباط بسیار نزدیکی برقرار نموده، در بین آنها نفوذ نمود.

اولین فرقه‌ای که رسماً در کشور زیمبابوه شروع به تبلیغ مسیحیت نمود و به تدریج اقدام به تأسیس پایگاههای آموزشی، درمانی، رفاهی و خیریه نمود، کاتولیک‌ها بودند. به دنبال آن پس از گذشت مدتی طولانی سایر فرق مسیحیت برای تبلیغ وارد این کشور گردیدند. کلیسای رومن کاتولیک از قدیمی‌ترین کلیساهای زیمبابوه بوده و در زمانی که استعمار بر این منطقه حکومت داشت فعالیتت زیاد کرد. این کلیسا توانست با کمک گرفتن از کلیسای روم پایگاههای آموزشی متعددی همچون مدارس ابتدایی و متوسطه، دانشگاه، بیمارستان، بنیاد خیریه و غیره دایر نماید.

با گذشت زمان به تدریج در کشور زیمبابوه کلیساهای مستقل دایر شد، به طوری که مطابق آمارهای موجود تعداد این کلیساهای به حدود یکهزار و با حدود سه میلیون عضو می‌رسد.

با تشکیل شورای مسیحیت زیمبابوه در سال ۱۹۶۴ و انسجام هرچه بیشتر فعالیت‌های تبشیری، تعداد زیادی از کشیشان در این شورا عضو گردیده و برنامه‌های تبلیغ مسیحیت در قالب این شورا منسجم‌تر گردید. سردمداران مسیحیت برای نفوذ در گروههای محلی و بخصوص کلیساهای آفریقایی از کشیشان بومی به عنوان مسئولین این شورا انتخاب و خود آنها را هدایت می‌کردند. از طرفی در این شورا تعدادی از مسیحیان کلیساهای انگلیکن، ارتدکس و پروتستان حضور داشته که در دولت نیز نفوذ خاصی داشتند. با توجه به این موارد بود که این شورا در نزد مسیحیان بومی از محبوبیت خاصی برخوردار بود. از جمله مقاصد اولیه این شورا نزدیک نمودن کلیساهای به همدیگر و ایجاد هماهنگی بین آنها و مطالعات در خصوص افزایش تبلیغات در جوامع آفریقایی بود. سردمداران کلیساهای، کلینیک و بیمارستان‌های فراوانی را در اقصی نقاط کشور دایر نمودند. اعضاء مرکزی این شورا که پس از استقلال عمدتاً از مسیحیان سیاهپوست تشکیل گردیده است، پس از استقلال زیمبابوه اقدام به گسترش فعالیت‌های شورا و افزایش اعضای آن نمودند. این شورا در سال ۱۹۸۲ اقدام به تأسیس شاخه دانش‌آموزان و دانشجویان نموده که غرض از آن برقرار نمودن ارتباط با جوانان جامعه و جذب آنها به دین مسیح بود.

بررسی انواع روش‌های فعالیت‌های تبلیغی و تبشیری مبلغین مسیحیت

الف. آموزش

با توجه به بالا بودن آمار بیسوادان در کشورهای آفریقایی، یکی از اقدامات اولیه مسیحیان تأسیس مراکز آموزشی در کشورهای آفریقایی بود. در سال ۱۸۵۹ تعدادی از اعضای انجمن میسیونری انگلیس اولین مدرسه را در منطقه Inyathi در نزدیکی شهر فعلی بولاویو در زیمبابوه احداث نمودند. به دنبال آن مدارس دیگری در این کشور توسط گروههای میسیونری قبل از استقلال شروع بکار نمود. در کلیه این مدارس که آموزش دین، مقصد اصلی آنها بود و همچنین در مدارس که

توسط دولت در این کشور در همان دوران استعمار تأسیس گردیده بوده، تنها مسیحیت تبلیغ شده و در خصوص سایر ادیان و مذاهب سنتی آفریقا این موضوع تبلیغ می‌شد که این آیین‌ها تنها شرک و بی‌تمدنی است. مقصد آنها نه تنها تغییر آیین مردم، بلکه ایجاد تغییر و تحول در آداب و رسوم و سنت‌های فرهنگی آنان نیز بود. مبلغان مسیحی اعتقاد داشتند که مسیحیت بایستی توسط همه افراد این جوامع به عنوان دین برتر پذیرفته شود. لذا نسل‌هایی که پس از ورود مسیحیت به این کشور رشد کرده و در این مدارس آموزش دیده بودند شناخت کاملی از آیین سنتی نیاکان خود نداشتند.

مقوله آموزش دینی در مدارس ابتدایی و متوسطه در کشور زیمبابوه از سال ۱۹۸۰ به بعد بیشتر متوجه گسترش مسیحیت بود و این در حالی بود که رابطه‌ای منطقی بین اطلاعات دانش‌آموزان و تجربیات آنها که از خانواده و جامعه در خصوص آیین سنتی گرفته بودند و مضامین دوره‌های تحصیلی آموزش مسیحیت، به وجود آمده بود. با کوشش‌های شورای عالی مسیحیت زیمبابوه، دپارتمان آموزش دین در وزارت آموزش عالی زیمبابوه در سال ۱۹۸۸ تأسیس گردید. این دپارتمان در ابتدا، طرحی تصویب نمود که مطابق آن کلیه دانش‌آموزان در سطح O'level بایستی امتحانات سیلاب‌های درسی مطالعات دینی را نیز بگذرانند. با توجه به تبلیغات گسترده در آموزش مسیحیت و سیلاب‌های درسی که توسط مؤسسات آموزشی به صورت اجباری برای آنها ارائه می‌شود و با در نظر گرفتن وظیفه‌ای که از این حیث به عهده وسایل ارتباط جمعی این کشور واگذار شده است، نسل جوان با اصول و اعتقادات مسیحیت آشنا شده و در فرهنگ و سنن کنونی این مردم نیز نفوذ کرده است. سیلاب‌های درسی که در مراکز آموزشی تدریس می‌شود توسط کلیسای انگلیس تهیه گردیده و امتحانات نیز توسط یک هیئت ممتحنه انگلیسی که از دانشگاه کمبریج اعزام می‌شوند، برگزار می‌گردد.

جان . ام . هال که خود از مؤلفین کتاب چگونگی روش تدریس ادیان می‌باشد معتقد است که ممکن است معلمینی که در بخش آموزش دین فعالیت می‌کنند سعی نمایند عقاید شخصی و مذهبی خود را به دانشجویان القاء نمایند.

وی می‌نویسد: دو نوع روش فعالیت برای اساتید وجود دارد که عبارتند از «متقارب» و «متباین». در روش متقارب که توسط مسیحیان بکار گرفته می‌شود، معلم همیشه سعی می‌نماید افکار و عقاید دینی خود را به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به دانشجویان القاء نماید.^۴ هم اکنون در کشور زیمبابوه بیش از نیمی از مدارس

ابتدایی و متوسطه متعلق به فرق مختلف مسیحی می‌باشند.

تأسیس دانشگاه

تأسیس اولین دانشگاه وابسته به کلیسا تحت عنوان دانشگاه آفریقا در سال ۱۹۸۶ مورد تصویب اتحادیه مرکزی کلیسای یونایتد متدیست آفریقا قرار گرفت. دکتر جان کوروا رییس دانشگاه مذکور در زیمبابوه اهمیت و ضرورت تأسیس و توسعه دانشگاه مذکور را بدین شرح بیان می‌کند:

۱. در حالی که کلیسای یونایتد متدیست در برنامه‌های آموزشی مقاطع ابتدایی و متوسطه حضور فعال داشت، لذا ضرورت آموزش جوانان برای این کلیسا در مقطع آموزش عالی بسیار بدیهی بود. کلیسای یونایتد متدیست اولین کلیسای مسیحیت بود که برای انجام این غرض فعالیت نموده و با توجه به زمینه‌های مناسب، منطقه جنوب آفریقا نیز مناسب‌ترین مکان برای این فعالیت بود.

۲. با توجه به اینکه این دانشگاه توسط بخش خصوصی تأسیس گردید، سیلاب‌های درسی می‌بایستی با در نظر گرفتن نیازهای جوامع این منطقه و تبلیغات مسیحیت برنامه‌ریزی شده و به آن اهمیت بیشتری داده می‌شد.



در آن آموزش می‌بینند. رییس جمهور زیمبابوه در حضور اساتید این دانشگاه و اعضاء کلیساها ضمن تأکید بر نظارت دولت بر امور دانشگاهها اظهار داشت که دولت زیمبابوه از هیچ کوششی در حمایت از دانشگاههای وابسته به مسیحیت دریغ نخواهد کرد.

در اواخر سال ۹۵ میلادی کلنگ احداث سومین دانشگاه وابسته به کلیسا در زیمبابوه توسط رابرت موگابه رییس جمهور این کشور به زمین زده شد. این دانشگاه که وابسته به کلیسای اصلاح‌گرای زیمبابوه می‌باشد در شهر مشونگو در کنار خرابه‌های گریت زیمبابوه احداث خواهد شد. اسقف رانیوا (Runyowa) رییس کلیسای اصلاح‌گرای زیمبابوه در همین زمینه اعلام نمود که دولت در زمینه اخذ مجوز احداث دانشگاه توسط کلیسای مذکور کمال همکاری داشته است. کلیسای اصلاح‌گرای زیمبابوه که حدود ۱۰۴ سال است در این کشور فعالیت می‌نماید تاکنون ۹ مرکز بزرگ تبلیغاتی، یک پرورشگاه بزرگ، ۲۸ کلیسا و چندین مدرسه ابتدایی و متوسطه در زیمبابوه دایر نموده است. این کلیسا همچنین اداره و تأمین هزینه‌های دو بیمارستان بزرگ، دو مرکز آموزش پرستاری و یک بیمارستان ویژه جذامی‌ها را به عهده دارد.

ب. استفاده از وسایل ارتباط جمعی

در شرایط کنونی، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و خبرگزاری‌ها از جمله ابزارهای بسیار نیرومند اشاعه مسیحیت در جنوب آفریقا و به ویژه زیمبابوه می‌باشند. در روزهای یکشنبه حدود ۷۰٪ برنامه‌های روزانه تلویزیون به تبلیغ مسیحیت اختصاص دارد. این برنامه‌ها که اکثراً در کشورهای اروپایی و آمریکا تولید شده است، به صورت مجانی در اختیار تلویزیون زیمبابوه جهت پخش قرار می‌گیرند. همچنین در بخش پایانی برنامه‌های تلویزیون، هر شب مدت پنج دقیقه را اختصاص به یک پیام تبلیغی در خصوص مسیحیت دارد. به خوبی مشهود است که محافل مسیحیت با استفاده از امکانات وسایل ارتباط جمعی این کشور حداکثر استفاده را در تبلیغ می‌نمایند. فوق‌گوناگون مسیحی در این کشور اقدام به چاپ بروشور، کتاب، مجله و غیره نموده و به صورت مجانی در بین مردم توزیع می‌نمایند. بعضی از اعضاء کلیساها حتی در ایام هفته به اکثر منازل شهروندان مراجعه و در خصوص مذهب خود تبلیغ و مردم را دعوت به مسیحیت می‌نمایند.

بیشتر پیروان مسیحیت در زیمبابوه مسلمانان را به عنوان پیروان سنت‌های قبیله یا تو و مهاجرانی می‌شناسند که از کشورهای مالاوی و تانزانیا به زیمبابوه مهاجرت نموده‌اند. آنها با توجه به گسترش اسلام در منطقه آفریقا با

۳. با توجه به وابستگی این دانشگاه به کلیسا، لذا توسعه فرهنگ و مسیحیت در دستور کار دانشگاه قرار گرفت. بدین معنی که نه تنها برای آموزش فیزیکی و علوم و تکنولوژی، بلکه برای آموزش‌های دینی نیز اهمیت خاصی قائل گردید.

نمونه این گونه مراکز آموزش عالی توسط کلیسای یونایتد متدیست قبلاً در کشورهایی همچون کوبا، هند، ژاپن، آمریکا و غیره احداث گردیده است. مأموریت دانشگاه آفریقا توسعه آموزش عالی با کیفیت بسیار بالا همراه با تعلیم و تربیت دانشجویان در زمینه منزلت مسیحیت عنوان گردید. در سال ۱۹۹۲ مرکز انتشاراتی یونایتد متدیست در آمریکا تعداد ده هزار عنوان کتاب در زمینه‌های فلسفه و علم کلام به دانشگاه آفریقا در زیمبابوه اهدا نمود. کتاب‌های مذکور تحت عناوینی همچون تاریخ کلیسا، تاریخ کلیسا در آفریقا، اسقف‌ها و کشیش‌ها، پرستش و عبادت، روانشناسی و جامعه‌شناسی، فلسفه و ادیان، تفسیر گوناگون انجیل و غیره بود.

از مهمترین وظایف دانشکده کلام دانشگاه مذکور آموزش مسیحیت و تربیت زنان و مردان جهت تبلیغ این دین در زیمبابوه است. شعار اصلی دانشکده مذکور دانشگاه آفریقا «خدمت به مسیحیت و کار برای حضرت عیسی مسیح (ع)» است. برنامه‌های آموزشی دانشکده اغراض ذیل را دنبال می‌کند:

الف. تربیت کشیش.

ب. تربیت و آموزش نیروهای آکادمیک برای سمینارهای مسیحیت در آفریقا و مدارس وابسته به مسیحیت و آموزش انجیل.

ج. مقایسه آیین‌های سنتی آفریقا با مسیحیت و کوشش در تفهیم باطل بودن آنها.

دومین دانشگاه وابسته به کلیسا و چهارمین دانشگاه زیمبابوه در پنجم ماه مه ۱۹۹۵ در منطقه سولوسی در نزدیکی بولاویو، دومین شهر بزرگ زیمبابوه، توسط کلیسای Seven day Adventist افتتاح گردید.

اگر چه در اساسنامه این دانشگاه تأکید گردیده است که در آن به روی پیروان کلیه ادیان و اعتقادات گوناگون باز می‌باشد ولی بدیهی است که غرض اصلی دانشگاه ترویج مسیحیت در این منطقه از زیمبابوه است. دانشگاه سولوسی که هم اکنون دانشجویانی از ۱۷ کشور آفریقایی

کمک گرفتن از کشورهایی همچون آمریکا، انگلیس، فرانسه، پرتغال، کانادا و واتیکان کوشش وسیعی در جلوگیری از توسعه اسلام می‌نمایند. مسیونرهای مسیحی با استفاده از رادیو و تلویزیون به تدریج، فرهنگ و تمدن غرب را در کشورهای آفریقا و به ویژه در منطقه جنوب آفریقا به صورتی گسترش دادند که اکثریت مردم جنوب آفریقا از فرهنگ سنتی خود دست کشیده و کاملاً تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفته‌اند. پاپ در آخرین دیدار خود از آفریقا اعلام نمود که امیدوار است تا پایان قرن بیستم پرچم مسیحیت در تمام نقاط آفریقای سیاه برافراشته شود. آقای Gardner یکی از کشیشان آفریقایی در یکی از کلیساهای قاهره اعلام نمود: در بعضی از مناطق آفریقا وجود کلیسا همانند جزیره‌ای در دریای اسلام است. وی- همچنین کلیساها را مرکز حیات رشد و توسعه مسیحیت دانست.

در کنار استفاده از وسایل ارتباط جمعی مسیحیان جهت جذب مسلمانان به کیش خود کتب متعددی در باب مسیحیت و برتری آن نسبت به سایر ادیان الهی در آفریقا و من جمله زیمبابوه منتشر و توزیع نموده‌اند.

ج. تأسیس مراکز درمانی و بنیادهای خیریه

بیش از دو سوم بیمارستان‌ها، کلینیک‌ها و مراکز درمانی موجود در کشور زیمبابوه در حال حاضر توسط مسیحیان احداث و اداره می‌شوند. مسیحیان با احداث چنین مراکزی سعی در جذب مردم به کیش خود نموده و حتی در بعضی مراکز بایستی بیمار ابتداء به مسیحی بودن خود اقرار نموده تا بتواند از این تسهیلات استفاده نماید. آنها در ایام خشکسالی که مردم با فقر و تنگدستی مواجه می‌باشند به نقاط دوردست روستاها شتافته و مواد غذایی و آرد ذرت در بین مردم توزیع می‌کنند. بدیهی است دولت زیمبابوه که خود مسیحی است، همیشه از این‌گونه اقدامات کلیساها حمایت و پشتیبانی می‌نماید. بسیاری از دانش‌آموزانی که به دلیل فقر مالی در ادامه تحصیل خود ناکام می‌شوند به شورای مسیحیت زیمبابوه رو آورده و تحت شرایطی از بورسیه‌های تحصیلی آنها استفاده می‌کنند. با توجه به این نیاز جوانان، شورای مسیحیت زیمبابوه در سال ۱۹۷۹ اقدام به تأسیس یک مؤسسه رفاهی به نام Christian Care نموده و در اعطاء بورسیه و تأمین هزینه تحصیلی نوجوانان و جوانان کوشش کرده

است. یکی از وظایف مهم این شورا هماهنگی با این مؤسسه‌های رفاهی و بررسی دقیق و ارسال درخواست‌های جوانان به کلیساهای عضو شورا و یا به سازمان‌های خیریه در خارج از کشور بوده است. از طرفی این شورا در خصوص رسیدگی به وضعیت رفاهی مسیحیان، جذب آفریقایی‌ها و نفوذ در بین قبایل مختلف زیمبابوه، گسترش تبلیغات مسیحیت و همچنین حمایت از مراکز درمانی، آموزشی و رفاهی برای مردم بسیار فعالانه برخورد می‌نماید. این شورا به اساسنامه خود و تعهدات آن در زمینه اعطاء بورسیه به دانشجویان و حمایت از افرادی که علاقه‌مند به فراگیری علم بوده، در صورتی که مسیحیت را بپذیرند، پایبند می‌باشد. شورا با گرفتن کمک‌های فراوانی از گروه‌های مختلف مسیحی و سازمان‌های وابسته به آنها در خارج از کشور زیمبابوه کوشش گسترده‌ای برای توسعه و گسترش این دین انجام می‌دهد.

پانوشته‌ها و مأخذ:

1. Mbiti Johns., "Introduction to African Religion," Oxford university, London, 1978, P.P. 170 - 172
2. Convergent
3. Divergent
4. Hull. J. m., "Open minds and Empty Hearts, Convergent and Divergent teaching of Religion", London, 1984, P.P. 175 - 176.

